

استقلال مالی دانشگاه‌ها محقق شود



علی خطیبی، معاون اداری مالی وزارت علوم

مهم‌ترین توصیه و خواهشی که از دولت چهاردهم دارم، حفظ و ارتقای جایگاه علمی کشور است، یعنی در راستای حفظ رتبه علمی و مرجعیت علمی ایران و رشد این جایگاه تلاش کنند. در دولت سیزدهم مسیر تکریم استاید، جایگاه علم و عالم برای آموزش عالی کشور آغاز شد و لازم است این مسیر حتما باقوت ادامه پیدا کند. ما در بحث استقلال مالی دانشگاه‌ها خیلی تلاش کرده‌ایم، متأسفانه مهم‌ترین آسیبی که دانشگاه‌های ما دارند وابستگی مالی به بودجه عمومی و بودجه دولت است. اگر بخواهیم روند تحقیقات و پژوهش دانشگاه‌ها به خاطر مسائل مالی متوقف نشود، طبیعتا باید دانشگاه‌هایمان استقلال مالی داشته باشند. استقلال مالی دانشگاه‌ها زمانی محقق می‌شود که دانشگاه از محل فروش تحقیقات و پژوهش و فناوری درآمد داشته باشد. در این راستا اگر مسیر آغاز شده، ادامه پیدا کند هم استقلال مالی دانشگاه حفظ می‌شود، هم وابستگی به بودجه عمومی کم شده و در نهایت هم رشد علمی و رشد فناوری را شاهد خواهیم بود. نکته دیگر درخصوص خوابگاه‌های متاهلی

است. نهضت ساخت خوابگاه متاهلی را در دولت سیزدهم شروع کرده‌ایم که الان در نیمه راه است. به طوری که ۶ هزار واحد خوابگاه متاهل نیمه‌کاره داریم که اگر کامل شوند در نگره داشت نخبران داخل کشور خصوصا دانشجویان تحصیلات تکمیلی نقش موثری را ایفا خواهد کرد. موضوع بعدی مسکن دانشگاهیان، خصوصا برای جوانان عضو هیات علمی و استاید جوان است که مشکل مسکن دارند. براساس قانون نهضت ملی مسکن و اهتمام دولت سیزدهم از ظرفیت اراضی مازاد دانشگاه‌ها برای ساخت مسکن استفاده کرده‌ایم که این هم نیمه‌راه است و باید در آینده کامل شود. موضوع دیگر را نیز باید حقوق و دستمزد استاید دانست؛ قطعاً این مساله نیز با استقلال دانشگاه‌ها برطرف می‌شود. اگر درآمد اختصاصی دانشگاهی از محل فروش تحقیق و پژوهش زیاد شود، قسمتی از این درآمد عایدی اعضای هیات علمی خواهد بود. اینجا دیگر صحبت حقوق نیست و ارقام، ارقام قراردادی است. منتها برای رسیدن به آن نقطه باید دانشگاه به بلوغ فناوری و نوآوری برسد تا بتواند تحقیقات و پژوهش را هادفمند کند. در صورتی که این مساله محقق شود، تحقیقات و پژوهش در راستای حل نیازهای جامعه و صنایع خواهد بود و صنعت خریدار این تحقیقات می‌شود؛ در چنین شرایطی پرداخت حقوق به استاید به شکل فعلی دیگر معنی نخواهد داشت.

دولت چهاردهم باید اقتصاد دانش بنیان را توسعه دهد



سجاد محمد علی نژاد، معاون فناوری و نوآوری وزارت علوم

بزرگ‌ترین پشتیبان حوزه فناوری و نوآوری مقام معظم رهبری است. از این بابت تصور نمی‌کنم با تغییر دولت‌ها اتفاقی در جریان کلی آن صورت بگیرد؛ چراکه ایشان به صورت مستمر از این حوزه حمایت کرده و خواسته جدی‌شان از همه دستگاه‌ها و دولت‌ها نیز حرکت در این مسیر است. از این رو طبیعتا اصلی‌ترین کارها را نیز باید بعد از این در حوزه فناوری و نوآوری داشته باشیم. نکته دیگر اینکه ما توانمندی خوبی را در عرصه پارک‌های علم و فناوری برای انجام

حمایت‌ها در راستای خلق فناوری داشته که از جمله آن می‌توان به سامانه جان اشاره کرد و باید در آینده به این حوزه کمک شود تا اقتصاد مرتبط با واحدهای فناوری و شرکت‌های دانش بنیان توسعه بیشتری داشته باشد و قابلیت‌های تجاری‌سازی‌شان بیشتر شود. قطعاً در آینده نیز هر کاری که بتواند این اتفاق را رقم بزند، به صورت طبیعی موجب توسعه حوزه دانش بنیان خواهد شد. در گام بعدی افزایش گردش مالی این حوزه از اهمیت بالایی برخوردار است. در کنار آن هم طبیعتا خلق فناوری‌های نو ظهور و پیش‌رو مانند هوش مصنوعی، کوانتوم، زیست فناوری و... هم که وزارت علوم و معاونت علمی، فناوری، اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری تاکید ویژه‌ای روی آن داشته‌اند، به عنوان یکی مسیری با پتانسیل بالا در کشور محسوب می‌شود که باید در آینده و دولت بعد هم به شکل جدی دنبال شود.

روی اجرای مواد یک، ۳ و ۱۱ قانون جهش تولید تمرکز کنید



رضا اسدی نژاد، معاون توسعه شرکت‌های دانش بنیان معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری

مهم‌ترین مساله‌ای که در وهله اول باید به آن اشاره کنم آن است که معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری و به صورت کلی حوزه علم فناوری یک حوزه تخصصی به شمار رفته و یک حوزه سیاسی محسوب نمی‌شود. بنابراین چه در سطح خود معاون علمی، چه در سطح وزیر علوم و چه در سطح معاونان، طبیعتا باید شخصیت‌های تخصصی و علمی در آن حضور داشته باشند. افرادی که هم در زیست بوم خوشنام بوده و هم برای فعالان این عرصه شناخته شده باشند، به طوری که شرکت‌ها با آمدن این افراد احساس آرامش کنند؛ چراکه فضای دانش بنیان فضایی است که شرکت‌های مختلف و افراد با افکار سیاسی مختلف در آن حضور دارند. با این حال آن مساله‌ای که برای یک شرکت دانش بنیان ارزش به شمار می‌رود، افکار سیاسی مدیرعامل نیست؛ بلکه این مساله برای شرکت ارزش است که برای کشورش از نظر اقتصادی و اشتغال، نقش آفرینی داشته باشد. از این رو بسیار مهم است معاون علمی رئیس‌جمهور و وزیر علوم بتوانند در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان این مساله را مدنظر قرار دهند.

موفقه دیگر اینکه خوشبختانه معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان یک نقشه راه شفافی دارد. معتمد در

طول حداقل پنج و حتی ۱۰ سال آینده اجرای کامل قانون جهش تولید دانش بنیان را شاهد خواهیم بود. درحقیقت آنچه امروز به آن رسیدیم و به آن افتخار می‌کنیم، حاصل اجرای مستمر ۱۰ ساله قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان است. تجربیات حاصل از اجرای آن قانون و رفع نواقص نهادی و نواقص ابزاری و برنامه‌ای آن، وضعیت امروز است که حاصل بلوغ ۱۰ سال حوزه دانش بنیان کشور است. این برنامه اگر ۱۰ سال خوب اجرا شود، چه در دولت چهاردهم و چه دولت‌های بعد از آن، مطمئنا کشور در تراز حوزه اقتصاد دانش بنیان یک پله جلوتر می‌رود که این مساله مهمی خواهد بود. طبیعتا ۱۰ سال دیگر، دوباره حاصل این تجربیات یک قانون پیشرفته‌تر با هدف‌گیری‌های بهتر خواهد شد. معتمد امروز نیاز نیست بخواهیم دنبال قانون جدیدی در حوزه دانش بنیان باشیم؛ چراکه به نظر ما همین ابزارهای قانونی به اندازه کافی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان کار برای انجام دادن دارد. به عبارت دیگر امروز ۲۰ ماده در این حوزه داریم که هر کدام زیرمجموعه‌هایی هم دارند. اجرای خوب ماده ۱۱ قانون که اعتبار مالیاتی است و همچنین مواردی مانند ماده یک که براساس آن همه دستگاه‌های دولتی موظف هستند برای کالاهای استراتژیک خود از حوزه دانش بنیان برنامه‌ریزی انجام دهند، یا ماده ۳ که تامین مالی قانون از طریق حذف معافیت‌هایی برای واردات ماشین‌آلات بوده، دنبال می‌کند جزء مواردی است که به اجرای دیگر بخش‌های قانون کمک کرده‌اند؛ با این حال به صورت کلی اجرای ماده ۱۱، ماده یک و ماده ۳ جزء موارد اساسی‌تر این قانون به شمار می‌روند.

اجرای برنامه هفتم توسعه محور حرکت دولت چهاردهم باشد



علی باقر طاهری نیا، رئیس موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

یکی از آسیب‌های معمول سر راه تغییرات دولت‌ها، خلأ مدیریت دانش و توجه نکردن به آن است. بنابراین پیشنهاد اول به دولت چهاردهم و دولت‌مردان دولت چهاردهم این است که تجارب قبلی را مرور کنند تا آنچه را که مفید است، ادامه دهند و آنچه را که ضعیف می‌دانند یا محل بازنگری می‌دانند، آگاهانه کنار بگذارند تا از این طریق دیگر با موانعی کاری، دوباره کاری و چندباره کاری مواجه نشویم. متأسفانه در نظام مدیریتی ما این خلأ وجود دارد و راه مواجهه با این خلأ هم استقرار نظام مدیریت دانش خواهد بود. واقعیت آن است در سازمان‌ها اگر مدیریت دانش به درستی اتفاق بیفتد، چون تجربه‌های دوره قبل ثبت و ضبط شده، طبیعتا این بستر فراهم خواهد بود تا مدیر جدید به مطالعه اسناد، مسیر طی شده رانورد بازخوانی قرار دهد. در این وضعیت دیگر نیاز نیست تا برای اطلاع از شرایط گذشته، مدیر جدید به پرس‌وجو یا ارتباطات شخصی‌اش بسنده کند. از طرف دیگر با مطالعه مستندات دوره‌های قبل، می‌توان مسیر پیش‌رو مبتنی بر آن اقدامات صورت گرفته را دنبال کرد. البته این مساله پیشنهاد اول به دولت جدید برای همه بخش‌هاست و صرفا منحصر به وزارت علوم نیست.

نکته دوم این است که خوشبختانه رئیس‌جمهور منتخب

باورمندانه تاکید جدی بر پایبندی به برنامه مصوب قانون برنامه هفتم پیشرفت دارد. به چند دلیل توصیه می‌کنم دولت‌مردان دولت چهاردهم به خصوص در حوزه علم و فناوری به این موضوع خیلی توجه داشته باشند. یک، اینکه شعار و ایده آقای رئیس‌جمهور این است که دولت مجری قوانین مصوب است. پس دولت‌مردان هم به تبع رئیس‌جمهور همین مسیر را طی خواهند کرد و این مهم روش خوبی خواهد بود؛ چراکه این‌گونه نظام فکری، منطقی و مبتنی بر عقلانیتی است که شما در چهارچوب قوانین مصوب بخواهید اختیارات خودتان را تعریف کنید. مساله بعدی نیز خود برنامه هفتم است که خوشبختانه، دست‌کم در بخش آموزش کلی علم و فناوری احکام تحولی بسیار خوبی دارد و این احکام منجر به حل مسائل مختلف در آموزش عالی خواهند شد. از آنجایی که برنامه هفتم مساله محور تنظیم شده و هر کدام از احکام بخش آموزش و پژوهش و علم و فناوری ناظر به حل یک مساله است؛ لذا پیشنهاد بعدی این است که وزیر آینده و متولیان حوزه علم و فناوری توجه جدی به برنامه هفتم و احکام برنامه هفتم داشته باشند. البته نباید این مساله را هم نادیده گرفت اساسا تکالیفی هم برای وزارت علوم در این برنامه تکلیف شده است. به عبارت دقیق‌تر دست‌کم در پنج مورد برای وزارت علوم تکلیف تعیین شده که ظرف مدت سه ماه از سال اول دولت، به این تکالیف عمل کند. واقعیت آن است این تکلیف هم، زمان داشته و هم صراحت دارد، هم اگر انجام نشود به ترک فعل منتهم خواهیم شد. یعنی با انجام ندادن باید در معرض پاسخگویی قرار بگیریم.

دولت چهاردهم تسهیلگر تامین سرمایه در گردش دانش بنیان‌ها باشد



پرویز کریمی، مدیرعامل کارخانه نوآوری و صنایع خلاق آمبر

در حال حاضر در حوزه علم و فناوری زنجیره نوآوری و ارتباط ما با نظام مسائل کشور به شکل منطقی و کامل برقرار است. می‌توان گفت ارتباطی که بنده به آن اشاره می‌کنم، نمونه‌هایی را در دنیا هم می‌بینیم اما در ایران زیاد از حد مشهود بوده و جهش پیدا کرده است و آن اینکه زایشگری اکوسیستم دچار نقصان شده؛ به این معنی که ورودی به اکوسیستم چه به صورت ایده و چه به صورت نیروی انسانی کم‌ترنگ است و بیشتر استارت‌آپ و شرکت‌های نوپا به سه چهار سال قبل برمی‌گردد. در حال حاضر باید کاری کنیم این زایشگری بار دیگر خود را پیدا کند و پرقوت شود. ایده‌ها و شرکت‌ها دوباره باید شادابی خود را به دست آورند. بنابراین مدیران، وزرا و معاونانی که در رأس کار قرار می‌گیرند باید از این امر مطلع بوده و برای آن تدبیر کنند.

دفاعه داخل، جاذبه خارج را پررنگ‌تر می‌کند

مساله دیگر امید دادن و انگیزه دادن و تقویت روحیه ماندگاری در نیروی انسانی است. یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که کشور ما در بیشتر حوزه‌ها دچار این مشکل است، کمبود نیروی انسانی برای بیشتر مشاغل است. وقتی صحبت از نیروی انسان می‌شود، یعنی نیروی انسانی متخصص مجرب. دانشجویان ما از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و در استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش بنیان مشغول به کار می‌شوند. این شرکت و کسب‌وکار نوپا قادر نیست نیازهای فنی، تجهیزاتی، مالی و انگیزشی این نیروها را تامین کند و این نیروها متأسفانه به دلیل جاذبه‌هایی که کشورهای اطراف برای نیروهای فکری، تخصصی و دانشی ما ایجاد کرده‌اند، جذب شده و مهاجرت می‌کنند. این طرف دافعه‌های بیشتر و آن طرف، جاذبه‌های بیشتر وجود دارد. بنابراین، مدیر علم و فناوری ما باید دارای این توانمندی باشد که انگیزه‌ها و امیدآفرینی و رفع این دافعه‌ها را به طور فوری در دستور کار خود قرار دهد. موضوع نظام ملی نوآوری در اسناد بالادستی به کرات تکرار شده اما زنجیره کامل نیست و برای این امر باید مدیران مجرب منصوب شوند. دوران آزمون و خطا گذشته و فرصت این کار را نداریم، بنابراین باید در انتخاب افراد دقت لازم شود و افرادی که این مسئولیت را برعهده می‌گیرند باید به طور کامل به این موضوع اشراف داشته باشند. صرف اینکه یک مدیر آموزشی یا یک مدیر پژوهشی را از دانشگاه در بخش‌های علم و فناوری قرار دهیم تا کار را پیش ببرند، کفایت نمی‌کند. چنین فردی باید دارای تجربه شرکت‌داری و توسعه کسب‌وکار را داشته باشد.

در اینجا می‌توان به مدیران حوزه‌های علم و فناوری پیشنهادهایی ارائه داد تا این مسیر و اکوسیستم با قدرت و موفقیت بیشتری طی شود. مسیری که تاکنون در حوزه شرکت‌های دانش بنیان طی کرده‌ایم، مسیر موفق بوده و بسیاری از نیازمندی‌های کشور را بسیاری از همین شرکت‌های دانش بنیان رفع کرده‌اند. مدیرانی که قرار است در دولت جدید قبول مسئولیت کنند، دو کار را باید در دستور کار خود قرار دهند؛ یکی اینکه تسهیلات لازم را برای رشد و توسعه شرکت‌های نوپا و کسب‌وکارهای این حوزه آماده کنند. این تسهیلات فقط شامل وام نمی‌شود بلکه ممکن است بحث وام و تسهیلات مالی در مراحل بعدی اهمیت قرار داشته باشد. منظور من تسهیلاتی است که موانع موجود بر سر راه شرکت‌ها را برداشته و به عبارتی بتواند مانع‌زدایی کند این موضوع در حال حاضر به طور جدی در زمره مشکلات این شرکت‌ها قرار دارد که مدیران بعدی باید آن را در دستور کار خود قرار دهند. مورد بعدی، ایجاد تحریک تقاضا یا ایجاد بازار است. وقتی می‌گوییم تحریک تقاضا، به این معنی است که در کنار عرضه، بازار را به‌گونه‌ای مدیریت کرد و سر و سامان داد که بتواند از محصولات تولیدی دانش بنیان‌ها

فروش محصولات هایتک در بازارهای جهانی با پشتیبانی دولت

نکته بعدی که می‌توان به عنوان پیشنهاد به مدیران بعدی حوزه‌های علم و فناوری ارائه داد، بازارهای بین‌المللی است به طوری که هر چقدر بتوانیم در دیپلماسی عمومی موفق باشیم، می‌توانیم در ایجاد بازار برای شرکت‌های دانش بنیان نقش آفرینی کنیم. بسیاری از کالاها و محصولات هایتکی که توسط شرکت‌های دانش بنیان تولید می‌شود، مشتری خارجی دارد و شرکت نوپایی که به تاگی کار خود را آغاز کرده، نمی‌تواند در بازارهای بین‌الملل با شرکت‌های قدرتر از خودش بر سر اقتصادهای مختلف بجنگد و کار دشواری درپیش دارد، در نتیجه مستلزم آن است دولت به عنوان حامی - کاری که همه دولت‌ها می‌کنند- وارد میدان شود. نمونه آن، جنگی است که سالیان سال بین بازار تجاری آمریکا و چین برقرار است و هر دولتی، از دموکرات‌ها گرفته تا جمهوریخواهان که در آمریکا بر سر کار می‌آید، در یک موضع با چین متحدند و آن، بستن بازار آمریکا به روی کالاهایی است که از چین می‌آید و بالعکس، تسخیر بازارهای دیگر توسط کالاهای آمریکایی. بنابراین، این کار باید در دستور کار دولت ما هم قرار گیرد به طوری که این کار به تنهایی از عهده وزارت بازرگانی ما خارج است و در زمینه محصولات هایتک، باید حتما وزارت علوم، معاونت علمی، دستگاه‌های حاضر در حوزه کالاهای هایتک هم وجود داشته باشند تا برنامه‌ریزی، تدوین و سیاستگذاری کنند. این از عهده شرکت‌های کوچک و نوپای دانش بنیان خارج است و باید در دستور کار قرار گیرد.

مساله بعدی، تسهیلاتی است که می‌توانند از بانک‌ها برای شرکت‌های دانش بنیان بگیرند. معمولا وقتی شرکت‌های دانش بنیان برای اخذ تسهیلات به بانک‌ها مراجعه می‌کنند، از آنها وثیقه‌های ملکی یا وثیقه‌های سنگین طلب می‌کنند. این درحالی است که شرکت دانش بنیانی‌ها که به واسطه ۱۰، ۱۵ دانشجوی دوره دکتری، استاد و دانشجوی ارشد شکل گرفته، مایملکی ندارد که بخواهند در ازای دریافت تسهیلات از بانک‌ها، گرو بگذارند. اینجا صندوق نوآوری و شکوفایی، معاونت علمی و سایر صندوق‌های پژوهش فناوری می‌توانند مشکل این شرکت‌ها را رفع کرده ضمانت‌های لازم را تامین کنند. مشکلاتی که شرکت‌های دانش بنیان دارند، همین مشکلاتی است که اعلام می‌شود. به عبارتی، آنها اعلام می‌کنند ما توانایی برای تولید در ورود به بازارهای بین‌المللی و اخذ سرمایه در گردش را داریم. شما هر شرکت بزرگ تولیدی، فولادی، پتروشیمی، نفتی، مواد غذایی، صنایع ساحلی و... را در نظر بگیرید، به سرمایه در گردش برای توسعه شرکت و بازار محصولات نیاز دارد تا رشد و توسعه پیدا کند. شرکت دانش بنیانی که تمام مایملکی که در اختیار دارد، دانش و توانمندی است، از کجا باید سرمایه در گردش هنگفتی را تامین کند تا بتواند تولیدات خود را در بازارهای بین‌المللی و حتی داخلی به فروش برساند. بنابراین، چنین شرکتی نیازمند کمک است و این کمک باید به واسطه دولت و بانک‌ها و به اعتبار صندوق نوآوری و شکوفایی انجام شود. حمایت از ایجاد مراکز نوآوری و کارخانه‌های نوآوری همچنان باید در دستور کار قرار گیرد؛ چراکه این مراکز و کارخانه‌های نوآوری هستند که می‌توانند حلقه ارتباط و اتصال دولت با شرکت‌های دانش بنیان و حلقه ارتباط صنعت با دانشگاه، خارج از افزایش نیروی انسانی دولتی باشند. یعنی اگر می‌خواهید حلقه ارتباط صنعت و دانشگاه را به درستی گسترش دهید، تنها راه چاره ایجاد مراکز نوآوری و کارخانه‌های نوآوری جدید است. این مراکز متعلق به بخش خصوصی هستند و با حمایتی که دولت از آنها می‌کند به دولت اجازه بزرگ شدن نمی‌دهد، بلکه به بزرگ‌تر شدن بخش خصوصی اجازه می‌دهد و در عوض می‌تواند کنترل کند، نظارت کند و اهداف خود را از این طریق سازی و جاری کند.

یکشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE



ادامه از صفحه ۳
ادامه در صفحه ۵
۴